

بی تردید قرآن متنی فرا بشری است. دلایل فراوانی برای اثبات این ادعا وجود دارد. از آغازین روزهای نزول وحی، محتوای ژرف و عمیق و اسلوب شگفت و بدیع این کلام آسمانی، ادیبان و سخنوران نام‌آور را به خضوع و تسلیم فرا خوانده است. فریاد هم‌آورد جویی قرآن در جزیره‌العرب و سپس در سراسر عالم طنین‌انداز بوده و تاکنون بی پاسخ مانده است و هیچ‌یک از مخالفان و معاندان، به رغم وجود انگیزه‌های فراوان، هرگز، توانایی هم‌آوردی با آن را نداشته‌اند. مروری اجمالی به آیات قرآن، حکمت‌آمیزی، بلاغت، اعجاز و الهی بودن آن را آشکار می‌سازد؛ لازمه هیچ‌یک از ویژگی‌های یاد شده، پذیرش وحدت موضوعی سوره‌های قرآن نخواهد بود.

نظریه «وحدت موضوعی» از مباحث نوظهور در حوزه علوم قرآنی است؛ چنانچه آغازگران این نظریه مانند دکتر شحاته (اهداف کل سورة و مقاصدها، 302) و عبدالله دراز (همان، 28) اذعان می‌دارند، ابداع نظریه «وحدت موضوعی» بیشتر به مثابه واکنشی در برابر شبهات خاورشناسان درباره اسلوب قرآن است؛ «ریچارد بل»، «آرتور جان آربری»، «گلدذیهر»، «گوستاولبون» و... آن دسته از خاورشناسانی هستند که بر گسیختگی و ناپیوستگی آیات قرآن تأکید دارند. (فقهی زاده، 144) ریچارد بل، قرآن‌پژوه اروپایی در مقدمه ترجمه قرآن به انگلیسی، و نیز آرتور جان آربری در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن، یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن را جسته و گریخته بودن آن می‌دانند و برآنند که مضامین آن از هرگونه انسجام منطقی بسی به دور است. (سهلانی، 48).

در دایرة المعارف بریتانیا ذیل عنوان «قرآن»، سوره‌های بلند قرآن را مشتمل بر موضوعات مختلف و پراکنده معرفی می‌کند که آیات آن، بی هیچ برنامه و نقشه حساب شده‌ای در یک جا جمع شده‌اند. (حسن عباس فضل، قضایا قرآنیة فی الموسوعة: طانیة) گوستاولبون، بی نظمی موجود در سوره‌ها و آیات را شاهدهی بر اُمی بودن پیامبر می‌داند. (گوستاو لوبون، 20)



هر چند سخنان مستشرقانی که گسستگی و ناپیوستگی آیات برخی از سوره‌ها را نقصی برای این کتاب دانسته و آن را دلیلی بر انکار الهی بودن قرآن می‌دانند، نیازمند پاسخی مناسب است، اما تنها پاسخ درخور، پذیرش نظریه «وحدت موضوعی» نیست. در این صورت، گویی ما نیز با خاور شناسان همراه شده و پذیرفته‌ایم که اسلوب حاکم بر قرآن که به وضوح ناپیوستگی موضوعی در آن مشهود است، نقص این کتاب بوده و به ناچار می‌بایست برای ترمیم نقص یاد شده، نظریه وحدت موضوعی را امری ضروری و اجتناب ناپذیر بدانیم و به ناگزیر در پی کشف موضوعی واحد برای هر یک از سوره‌های قرآن باشیم!

چه بسا ضعف دلایل نظریه وحدت موضوعی که از سوی طرفداران نظریه یاد شده، تنها راه اثبات الهی بودن قرآن تلقی شده و بر پیش فرضی ناصواب استوار است، ناخواسته به تأیید و تثبیت نظریه خاورشناسان درباره قرآن منجر شود.

در نقد تفصیلی دلایل طرفداران نظریه یاد شده، (پژوهش‌های قرآنی، ش 55-206/54) بیان شد که هیچ‌گونه ملازمتی میان حکمت‌آمیزی، بلاغت، اعجاز و الهی بودن قرآن با «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» وجود ندارد.

با توجه به تأملات فراوان در نظریه یاد شده، احتمال نوعی تعجیل و شتاب در پذیرش آن منتفی نخواهد بود. همان‌گونه که در تفاسیر علمی قرآن، این شتاب‌زدگی، در پاره‌ای موارد به انکار حقایق بدیهی، مانند اصل ضروری اعجاز انجامید و انحرافی را در فهم قرآن پدید آورد.¹

چنانچه پیش‌تر یادآور شدیم، این نوشته در پی انکار وجود وحدت موضوعی و غرض واحد در تمامی سوره‌های قرآن نیست؛ در برخی سوره‌ها، وحدت موضوعی امری بدیهی و انکارناپذیر می‌نماید. آنچه موجب تردید است، فراگیری این ادعا در تمامی سوره‌هاست. طرفداران نظریه یاد شده، از ضرورت وجود غرض و موضوعی واحد در تمامی سوره‌های قرآن سخن می‌گویند و با ارائه دلایل و شواهد بر اثبات چنین ادعایی اصرار می‌ورزند. در حالی که به نظر می‌رسد هیچ‌یک از دلایل مطرح شده، این نظریه را اثبات نمی‌کند. از سوی دیگر دلایل و شواهدی وجود دارد که به انکار این نظریه می‌انجامد.

دلایل انکار نظریه «وحدت موضوعی»

دلایل و شواهدی وجود دارد که اثبات می‌کند در برخی سوره‌های قرآن، دست یابی به غرضی فراگیر امری ناممکن است؛ غرضی که تمامی موضوعات سوره را به یکدیگر پیوند دهد. این دلایل و شواهد عبارتند از:

1. ناسازگاری نظریه «وحدت موضوعی» با اسلوب حاکم بر قرآن

نگاهی به سوره‌های قرآن، نشان از وجود موضوعات متنوع و اغراض متعدد می‌دهد؛ تا آنجا که ادعای موضوعی واحد برای هر سوره، سخت و ناممکن می‌نماید. فقدان «وحدت موضوعی» و ناپیوستگی در سوره‌های قرآن، امری مشهود و اجتناب‌ناپذیر است. موضوع محوری ویژه کتاب‌های علمی است. قرآن کتاب هدایت است. چه بسا ایفای وظیفه هدایتگری در یک سوره مقتضی وجود موضوعات متعددی باشد.

هیچ‌یک از طرفداران «وحدت موضوعی» نیز چنین واقعیتی را انکار نمی‌کنند و راز تأثیرات شگفت‌انگیز آیات را در اسلوب خاص قرآن جستجو می‌کنند. طرفداران این نظریه، به رغم پذیرش این واقعیت، با ارائه برخی دلایل و شواهد، به وحدت و انسجامی پنهان در آن سوی تنوع آشکار موضوعات در برخی سوره‌ها رأی می‌دهند.

دکتر محمد مدنی از پیشگامان این نظریه از یک سو اسلوب و شیوه انحصاری قرآن را امری بدیهی دانسته و غفلت از این حقیقت را به معنای نادیده‌انگاری یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اعجاز قرآن می‌شمارد و از سوی دیگر بر «وحدت موضوعی» پای می‌فشارد. وی می‌گوید:

«با اینکه هر یک از سوره‌های قرآن کریم دارای نشانه، رنگ خاص و مشخصه ویژه‌ای است و از جان و روحی برخوردار است که در تمامی زوایای آیات آن جاری است، اما نمی‌توان سوره‌ها را بسان فصول و ابوابی دانست که مکتوبات معمولی در تألیف و ترتیب متداول به آنها تقسیم شده و بر حسب آنها تنظیم می‌شود. اگر کسی بخواهد سوره‌های قرآن را به صورت ابواب و فصول این



کتاب آسمانی تلقی کند و یا از چنین منظری به تفسیر آن دست یابد، با دیدی تکلف‌آمیز به قرآن نگریسته و سخت به بیراهه رفته است.» (المجتمع الاسلامی کما تنظمه سوره النساء، / 5-6)

دکتر طه حسین، از روشنفکران و نویسندگان معاصر درباره ناپیوستگی و گسستگی موضوعات برخی سوره‌های قرآن می‌گوید:

«مثلاً موضوعات سوره بقره بسیار فراوان است و از هم بیگانه، و این خود دلیل آن است که این سوره به یک باره نازل نشده است. ابتدای این سوره از مؤمنان سخن رانده است... سپس از کسانی سخن می‌گوید که کفر ورزیده‌اند و در ادامه به معرفی منافقان می‌پردازد... بعد داستان آفرینش انسان و خلقت حضرت آدم 7 دنبال می‌شود. از داستان ابلیس و از کفر او سخن می‌گوید و غرور و کبر او را به تصویر می‌کشد. آن گاه به قسمتی از داستان ابراهیم 7 و تجدید بنای کعبه به دست او می‌پردازد. موضوعات فراوان و نامتلائم، پی در پی مطرح شده است.» (خرمشاهی، / 6)

سیوطی در بحث اسباب نزول و در تبیین سبب نزول آیه 88 از سوره اسراء روایتی را نقل می‌کند که پیامبر علت ناپیوستگی موضوعی قرآن را باز می‌گوید. وی از طریق ابن عباس از پیامبر اسلام 9 نقل می‌کند که سلام بن مشکم با جماعتی از یهود به خدمت پیامبر 9 رسید و گفت: چگونه قرآن را حق و از جانب خدا بدانیم در حالی که کتابی آورده‌ای که دارای تناسق و پیوستگی نیست، اما تورات دارای تناسق است؟! کتابی بی‌اور که متعارف و مأنوس باشد و پیامبر 9 بی‌آنکه سخن آنان را درباره فقدان تناسق و پیوستگی آیات انکار کند، از بهانه‌جویی یهود پرده می‌گشاید. (سیوطی، 295/5)

اگر به اقرار طرفداران نظریه «وحدت موضوعی» در ساختار ظاهری قرآن، تفاوت و مغایرت اسلوب قرآن با مکتوبات بشری، امری بدیهی و انکارناپذیر است، می‌توان بی‌هیچ تکلفی، تعدد موضوعات و تنوع اغراض را نیز در هر یک از سوره‌ها پذیرفت و آن را هماهنگ با ظاهر برخی سوره‌ها، امری ضروری و

اجتناب‌ناپذیر دانست؛ همین ویژگی، می‌تواند نقشی فزاینده در تأثیر عمیق قرآن در مخاطبان داشته و جلوه‌ای از حکمت الهی در تدوین و تنظیم قرآن باشد. افزون بر آن، تعدد و تنوع موضوعات، با نزول تدریجی قرآن که بر اساس حوادث مختلف بوده و در طی 23 سال نازل شده، سازگار خواهد بود.

2. فقدان معیار و میزانی مطمئن و فراگیر

از سوی حامیان وحدت موضوعی سوره‌ها، ابزارهایی برای دستیابی به غرض و موضوع اصلی سوره‌ها ارائه شده است. شأن نزول، مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها، آهنگ انتهایی آیات و تشابه سوره‌ها، عواملی است که به عنوان ابزارهای اصلی کشف غرض سوره‌ها معرفی شده است. فضایل سوره‌ها، سیاق آیات، اسامی سوره‌ها، آیات آغازین و پایانی هر سوره، واژه‌های کلیدی موجود در هر سوره، اسمای حسنا و ارتباط هر سوره با سوره‌های قبل و بعد را عوامل فرعی و ابزارهای درجه دوم دستیابی به موضوع اصلی می‌دانند. (خامه‌گر، 210-115)

با فرض نارسایی دلایل ارائه شده برای اثبات نظریه «وحدت موضوعی»، بحث از ابزارهای کشف، بحثی بی‌حاصل خواهد بود. اختلاف آرای مفسران در کشف و ارائه موضوع اصلی سوره‌ها، معیارهای کشف را با شک و تردید همراه می‌سازد و کارآمدی این ابزارها را برای دستیابی به غرض اصلی سوره‌ها مخدوش می‌سازد. هرگز نمی‌توان فهم مراد الهی را بر نظریه‌ای غیر قطعی و متزلزل بنا نهاد.

3. دشواری و صعوبت دستیابی به غرضی واحد

بقاعی از حامیان پیشگام «وحدت موضوعی»، درباره صعوبت و مشکلات دستیابی به غرض اصلی هر سوره می‌گوید:

«برای یافتن تناسب و ارتباط برخی از آیات با غرض غایی سوره، مانند آیه

121 آل عمران، چندین ماه تأمل و تفکر می‌کردم.» (البقائی، 1/15)



شیخ محمد عبدالله غزنوی، از تکلف‌آمیز بودن این علم و نیز از ناهنجاری‌های آن سخن گفته است. (الوحدة الموضوعیه، 14/)

شوکانی در این باره می‌نویسد:

«بسیاری از مفسران علمی پرمشقت و بی ثمر را دنبال می‌کنند و در دریایی فرو رفته‌اند که به شنا کردن در آن موظف نیستند.» (شوکانی، 72/1)

وی دربارهٔ تناسب داستان حضرت آدم 7 و داستان قوم اسرائیل که بلافاصله و به دنبال هم در سورهٔ بقره آمده است می‌نویسد:

«اصولاً جستجوی مناسبت از نظر کسانی که اهل فکر و اندیشه‌اند، تضييع وقت و پرداختن به کاری است که سودی ندارد. چنانچه اگر کسی میان خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان گوینده‌ای بلیغ، به دنبال تناسب و ارتباط باشد و یا در جستجوی تناسب میان اشعار شاعری باشد که یکی از آنها مدح و دیگری نکوهش و... است، چنین شخصی از سوی مردم به کم خردی و اتلاف وقت متهم می‌شود.» (همان)

بررسی تفاسیری که بر اساس «وحدت موضوعی» تدوین یافته، بر وجود تکلفات فراوانی گواهی می‌دهد که در حوزهٔ تعیین روابط آیات، برای وصول به غرض اصلی ایجاد شده است.

عزالدین عبدالسلام سلمی (م 660 هـ) از نخستین مخالفان، در این زمینه می‌گوید: «درست است که از زیبایی کلام این است که میان جمله‌ها پیوستگی وجود داشته باشد، اما این معنا در صورتی خوب است که آغاز و فرجام کلام یکی باشد، اما اگر عوامل مختلفی در آمدن کلام نقش داشت، توقع تناسب و پیوستگی بی‌جاست و کسانی که بخواهند میان چنین کلامی پیوند و اتصال برقرار کنند، در حقیقت دچار تکلفی نازدودنی شده و کلام خداوند را زشت و ناهمگون ساخته و از جلوه اولیه آن خارج کرده‌اند.» (عزالدین، عبدالسلام: 338/1)

برخی از مفسران پیشین نیز - به رغم اهمیت فراوانی که برای علم مناسبات و پیوستگی و ارتباط معنوی آیات قائلند - از صعوبت و سختی‌های این علم سخن گفته‌اند و راز بی‌توجهی و اعراض مفسران و قرآن پژوهان را سختی و صعوبت این علم دانسته‌اند.

زرکشی می‌گوید:

«علم مناسبت، علم شریفی است که موجب تقویت عقل بوده و ارزش سخن هر گوینده‌ای به واسطه این علم روشن می‌شود و علت بی‌مهری و عدم اقبال مفسران به این علم صعوبت آن است.» (زرکشی، 131/1)

وی در ادامه، سخنی را از ابن عربی در کتاب «سراج المریدین» درباره مشکلات و سختی‌های این علم متذکر شده است. (همان)

4. فقدان نص و یا اشاره‌ای از معصوم 7

«وحدت موضوعی» آن‌گونه که حامیان این نظریه از اهمیت و ضرورت آن سخن گفته و هرگونه تفسیری را بی‌توجه به موضوع و غرض اصلی آن، زیانبار دانسته‌اند، از اصول و مبانی اساسی فهم قرآن خواهد بود.

به اقتضای اهمیت نظریه وحدت موضوعی، می‌بایست آیات و روایاتی به این نظریه تصریح و یا اشاره می‌کردند و اهمیت و نقش آن را در فهم قرآن بازگو می‌کردند، چنانچه مناسب بود معصوم 7 با انگیزه تعلیم و آموزش، به موضوع و غرض بعضی از سوره‌ها اشاره می‌کرد؛ در حالی که هیچ اشاره‌ای در قرآن و روایات در این باره نیست. چنانچه برخی حامیان پیوستگی موضوعی آیات به این واقعیت اقرار کرده‌اند.

«در هر حال آنچه مسلم است، اینکه علم مناسبات توقیفی نیست؛ یعنی از پیامبر و معصوم :چنین علمی نرسیده تا در وجوه و خصوصیات به آن استناد گردد. آنچه گفته شده، مورد اختلاف است و باید با نقد و بررسی و استدلال به یکایک آنها رسیدگی کرد. اما مهم آن است که موافقان در مقام استدلال، بر مخالفان علم مناسبات چیره و ادله قوی بر پیوستگی قرآن اثبات کنند و مبانی پیوستگی



همانند توقیفیت ترتیب سوره‌ها را بر کرسی قبول بنشانند.» (ایازی، 27 - 26)

با این حال، برخی طرفداران این نظریه به آیاتی چند استناد کرده‌اند و با تأمل در معانی لغوی برخی واژگان قرآنی مانند «عزیز»، «حکیم» و «قول فصل»، این واژگان را دلیل بر اثبات وحدت موضوعی دانسته‌اند؛² چنانچه برخی حامیان این نظریه، با انگیزه ترجمه آوایی، تفسیر پیوسته و تأویل قرآن، بخشی را به اثبات پیوستگی قرآن، به استناد روایات اختصاص داده است، و فصلی را با عنوان «فرمول کشف ارتباط آیات برای تفسیر پیوسته»، با استفاده از رهنمود پیامبر اکرم ⁹ و امام صادق ⁷ گشوده‌اند. (بی‌آزار شیرازی، 433/1)

اما چنانچه در نگاشته پیشین با نام «وحدت موضوعی در ترازوی نقد» یادآور شدیم، هیچ‌یک از دلایل قرآنی و روایی ارائه شده از سوی قائلان مورد قبول نبوده، مقصود آنان را اثبات نمی‌کند.

برخی طرفداران نظریه «وحدت موضوعی»، علت پراکندگی ظاهری آیات هر سوره را، نه ویژگی نهفته در سوره که ضعف قوای ادراکی و مادی ابزارهای فهم بشری دانسته‌اند.

«اینکه آیات هر سوره به نظر پراکنده می‌رسد، به سبب مادی بودن ابزار درک ماست، و الا قرآن ورای این برداشت معمولی ما دارای حقیقتی واحد است و آیاتی که از انزال قرآن سخن می‌گوید، نزول دفعی آن حقیقت را می‌رساند و آیاتی که در آن سخن از تنزیل آیات مطرح است، تدریجی بودن نزول قرآن را باز می‌گوید.» (طباطبایی، 16/1)

ظاهر این سخن، شگفت‌انگیز است! هر چند منزلت والای گوینده موجب می‌شود تا در انکار آن کمال احتیاط را داشته باشیم.

برخی معاصران با استناد به سخنی از علامه طباطبایی، قسمتی از یک روایت از امام ⁷ را به معنای تأیید «وحدت موضوعی» تلقی کرده‌اند.

«علامه طباطبایی قرآن را کلامی پیوسته می‌داند که قسمت‌های مختلف آن در عین فاصله، با یکدیگر متصل و مربوطند، به فرموده علی ⁷ پاره‌ای از آن،

درباره پاره‌ای دیگر سخن می‌گوید؛ «ینطق بعضه ببعض» (نهج البلاغه، حکمت 17) بنابراین، آنچه از یک آیه با به کارگیری قواعد در علوم مربوط (جدای از مجموعه آیات سوره) به دست می‌آید، در کشف معنای مراد آن کافی نیست، بلکه باید به نمای آیات متناسب با آن توجه کرد.» (پی آزار شیرازی، 384/1)

نویسنده، مطالب یاد شده را در ابتدای بحث از همبستگی و «وحدت موضوعی» در هر سوره آورده است و آن را نشانه تأیید این نظریه از سوی علامه می‌داند. در حالی که این عبارات در پی تبیین و تصدیق شیوه تفسیری مورد توجه علامه و در واقع توجیه کننده صحت و ضرورت این روش می‌باشد؛ شیوه‌ای که در اصطلاح مفسران، تفسیر قرآن به قرآن نامیده می‌شود، و صاحب تفسیر المیزان، آن را تنها شیوه صحیح و مستند به اهل بیت دانسته است.

نویسنده، از یک سو ضرورت پیوستگی و «وحدت موضوعی» قرآن را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر در صحت تفسیر موضوعی، تشکیک و تردید می‌نماید و دست‌یابی به ترجمه‌ای پیوسته و معنادار را تنها در گروی پذیرش «وحدت موضوعی» سوره‌ها می‌داند! (همان، 390-383)

5. نزول قرآن به زبان قوم و ناشایستگی مقایسه اسلوب آن با نگاشته‌های بشری اقتضای فهم‌پذیری قرآن، به کارگیری اسلوب و روش رایج عصر نزول است. بدون تردید نخستین مخاطبان آیات الهی عرب‌های معاصر نزول قرآن بوده‌اند، هدایت‌پذیری آنها نیز در گروی فهم آیات است. (نکونام، 68)

به کارگیری اسلوب غیر رایج در القای معارف، مغایر با فهم‌پذیری آیات بوده و این به معنای غیر بلیغ بودن قرآن است! مفاهیم و حیانی در هر عصری، به زبان رایج مخاطبان انبیا نازل شده‌اند؛ (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيَلْسَنَ قَوْمِهِ) (ابراهیم/4)

لسان قوم به معنای انس و آشنایی مخاطبان با واژه‌ها، مفاهیم و روش به کار گرفته در القای پیام و حیانی است.

ضرورت فهم‌پذیری قرآن برای مخاطبان عصر بعثت در مورد واژه‌ها امری پذیرفته و اصلی اجتناب‌ناپذیر است و تمامی مفسران و قرآن‌پژوهان ضمن پذیرش



این اصل، برای فهم آیات و واژگان، مفهوم رایج آن را در عصر نزول جستجو می‌کنند. بی‌تردید این اصل، در حوزه سبک و روش قرآن نیز باید مورد توجه قرارگیرد. مفهوم این سخن آن است که مفسران، باید برای راه‌یابی به روش نگارش قرآن، علاوه بر بررسی ساختار شکلی موجودِ سوره‌ها، به شیوه‌های رایج در عصر نزول، آگاهی یابند.

6. سکوت مشرکان

مشرکان قریش برای توقف نهضت و پیش‌گیری از گسترش آن، از هیچ تلاش و اقدامی کوتاهی نکردند و اتهامات فراوانی را به قرآن و پیام‌آور آن نسبت دادند. در حالی‌که فریاد هم‌آورد جوی‌های پیوسته قرآن، انگیزه مخالفت و لجاجت را در آنان شدت می‌بخشید. قصه‌های پرجذبه و حکمت‌آمیز قرآن را اسطوره (نحل/24) و جذابیت شگفت‌انگیز الفاظ آهنگین قرآن را شعر (صافات/36) و تأثیر معجزه آسای آن را سحر نامیدند. (قمر/2) بر اساس تحلیل برخی از طرفداران نظریه وحدت موضوعی، مخالفان، از آن‌رو چنین اعتراضی را وانهادند که انسجام و پیوستگی سوره‌ها را امری بدیهی و تشکیک ناپذیر می‌دانستند. (حجazy، 12) نادرستی این تحلیل در مقاله پیشین به تفصیل بیان شده است. در حالی‌که:

1. سکوت مشرکان نسبت به فقدان اتساق و انسجام کلام هریک از سوره‌ها به دلیل عدم التفات و توجه به این نکته بوده است؛ زیرا جذابیت و زیبایی کلام در منظر اعراب عصر نزول، بیش از هرچیز در حوزه روش و موسیقی آن خودنمایی می‌کرد و مفاهیم و محتوای کلام و نیز انسجام و یا پراکندگی آن کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. نبوغ و هنر سخنوران پرآوازه عرب بیش از هر چیز در شورانگیزی، آهنگ و آرایه‌های بدیع سخن جلوه‌گر می‌شد. چنانچه می‌توان گفت چنین چیزی از منظر مخاطبان عصر نزول، نقص به حساب نمی‌آمد. اساساً این گونه سخن گفتن در عصر نزول، یکی از جلوه‌های زیبای سخن محسوب می‌شد. این صنعت که در علم بدیع به «صنعت اقتضاب» (سیوطی، 292/2) شهرت یافته است، در آن زمان بیش از آرایه‌های دیگر مورد توجه عرب جاهلی قرار می‌گرفت. سخنوران، در اثنای

کلام از موضوعی به موضوع دیگر سخن را تغییر می‌دادند، بی آنکه هیچ ارتباط و مناسبتی را پیش بینی کنند و از موضوعی سخن می‌گفتند که هیچ ارتباطی با سخن پیشین نداشت.

2. از جمله نکاتی که طرفداران نظریه «وحدت موضوعی» بر آن تکیه می‌کنند این است که راه یابی به موضوع اصلی سوره‌ها کاری صعب و دشوار و در مواردی ناممکن است. (طباطبایی، 44/1) در این صورت باید به این پرسش پاسخ دهیم که مشرکان چگونه به کشف موضوع اصلی سوره‌های طولانی نائل شده‌اند؟! در حالی که فرایند کشف موضوع اصلی سوره‌ها بسیار دشوار است و نیازمند دانش و تسلطی ویژه است.

در حالی که می‌توان گفت اگر مشرکان به چنین چیزی هم اعتقاد می‌داشتند و وجود موضوعی واحد در سوره‌ها را دریافته بودند، باز هم با توجه به مقاصد پلید خود و از روی عناد و لجاجت به رغم اعتقاد قلبی به این نکته، باور قلبی خود را پنهان می‌کردند و با استناد به ظاهر قرآن، لب به اعتراض می‌گشودند و سوره‌های قرآن را فاقد موضوعی واحد می‌دانستند و آن را به عنوان ضعف قرآن و نفی الهی بودن آن اعلام می‌کردند. همان‌گونه که با وجود باور قلبی به الهی بودن قرآن، آن را اسطوره، سحر و... خواندند.

چنانچه برخی از مستشرقان نیز با تکیه بر پراکندگی موضوعات سوره‌های قرآن، آن را دلیل بشری بودن این کتاب دانسته‌اند. (گوستاولبون، 20)

باید توجه داشت که پیروی قرآن از روش رایج و سبک متداول در عصر نزول هرگز به معنای تأثیرپذیری وحی از فرهنگ بشری نیست، چنانچه واژگان قرآن نیز به معنای متداول عصر نزول به کار گرفته شده است. در پاره‌ای موارد، مفهوم و یا مصادیق الفاظ رایج عصر نزول، با توجه به هستی شناختی و انسان شناختی قرآن گسترش یافته و عالم غیب را نیز در بر گرفته است.

واژه‌های مأنوس و اسلوب رایج در عصر نزول همچون قالب‌های تهی و بی‌رنگی است که با محتوای متعالی وحی، شکل و صورتی مناسب با هدایت الهی



را می‌پذیرد و علاوه بر عمق و عظمت محتوا، از نظر اسلوب نیز تا سرحد اعجاز رفعت می‌یابد:

(قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَكُوِّنَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرٌ) (اسراء/88)

«بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر باشند.»

«لبید»، از شاعران نامی عرب و سراینده یکی از قصاید هفتگانه، وقتی با قرآن محمدی آشنا گردید، دلسپرده آن شد و دیگر شعر نگفت و پیوسته در حال قرائت قرآن بود. وقتی از او پرسیدند چرا شعر را رها کردی؟ گفت: «درمقابل قرآن دیگر نمی‌توانم شعری بیافرینم؛ اگر سخن این است، گفته‌های ما همه هجو است، من آن اندازه از قرآن لذت می‌جویم که بالاتر از آن نمی‌شناسم» (سعیدی روشن، 104)

7. راز نزول تدریجی قرآن

نزول تدریجی قرآن براساس حوادث خاص، با وحدت موضوعی سوره‌های قرآن مغایر است.

بخش گسترده‌ای از سوره‌ها، مانند سوره انعام، دفعی و با ترتیب موجود نازل شده‌اند. سوره‌های غیر دفعی نیز بیشتر با ترتیب نزول همراه است و در موارد معدودی، برخی آیات با توصیه پیامبر در دامان سوره‌ای خاص قرار می‌گرفت.

بر اساس نقل امین الاسلام طبرسی (طبرسی، 394/2) و زمخشری (زمخشری، 171/2) و بسیاری از بزرگان به نقل از ابن عباس و سدی، آیه 281 بقره، آخرین آیه از قرآن است که بر پیامبر گرامی اسلام نازل شد و با امر امین وحی در جایگاه فعلی خود قرار گرفت.

علامه حسن زاده در این باره می‌فرماید: «گویی این قول اجماعی است.» (حسن زاده آملی، 22)

این در حالی است که بعضی محققان (نکونام، 85) نتیجه تتبع و تحقیق را خلاف اجماع یاد شده می‌دانند و بر این باورند که روایات نقل شده درباره

جابجایی آیات و برخلاف ترتیب نزول، ضعیف و غیر قابل اعتناست و چینش و ترتیب موجود آیات بی‌هیچ تغییر و جابجایی منطبق با ترتیب نزول است. با فرض اثبات این فرضیه، یکی از اصلی‌ترین مبانی تئوری وحدت موضوعی فرو می‌ریزد و معتبرترین دلیل آنان از دست می‌رود؛ چون آنان در برابر این اشکال که گفته می‌شود آیات قرآن بر اساس وقوع حوادث مختلف در بستر زمانی طولانی نازل شده و توقع انسجام و وحدت موضوعی از چنین متنی ناممکن است، می‌گویند: گرچه آیات بر اساس ضرورت و هنگام حادثه‌ها نازل شده، اما ترتیب نزول با صلاح دید الهی دگرگون شده و آنچه در اختیار ماست، بر اساس محوریت موضوعی خاص سامان یافته و راز تفاوت ترتیب نزول و ترتیب موجود، تدوین و ترتیب آیات بر اساس وحدت موضوعی سوره‌هاست. بنابراین، با فرض جابجایی آیات و چینش آن بر خلاف ترتیب نزول، این تغییرات و جابجایی‌ها هرگز به حدی نیست که بتوان نزول قرآن را بر اساس حادثه‌های مختلف و موضوعات متعدد در ترتیب فعلی نادیده گرفت و همین ویژگی است که در سراسر قرآن به وضوح خود نمایی می‌کند و تئوری وحدت موضوعی را با شک و تردید می‌آمیزد. این نکته را نیز باید توجه داشت که یکی از اساسی‌ترین نکته‌های تربیتی قرآن در تدریجی بودن نزول آیات آن نهفته است. با فرض جابجایی گسترده آیات و دگرگونی اساسی در ترتیب نزول، این نکته نغز و پر اهمیت مورد بی‌مهری و غفلت واقع می‌شود.

8. خطر تفسیر به رأی و انحراف در فهم

خطر تفسیر به رأی و انحراف در فهم قرآن، از جمله عواملی است که موجب شک و تردید در نظریه «وحدت موضوعی» می‌شود و مفسر را بر آن می‌دارد تا به واقعیت حاکم بر اسلوب قرآن گردن نهد و تعدد و تنوع موضوعات را در بسیاری از سوره‌ها نادیده نگیرد و فهم و تفسیر را بر نظریه‌ای غیر قطعی استوار نسازد.



گروهی از مفسران با توجه به وحدت سیاق و آیات قبل و بعد آیه تبلیغ، این آیه را ناظر به ابلاغ احکام به اهل کتاب دانسته و آن را خالی از هرگونه دلالت بر مفهوم امامت علی 7 می‌دانند. امام فخر رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«روایت است که این آیه در فضل علی 7 نازل شده و حضرت رسول 9 با نزول این آیه دست علی 7 را بالا برده و فرموده است: «من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه...؛ هرکس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. خداوند! دوست بدار هرکس که علی را دوست می‌دارد و نیز دشمن بدار هر که با علی دشمنی می‌ورزد». گرچه این‌گونه روایات بسیار است، اما بهتر آن است که آیه را در معنای مصونیت رسول 9 از گزند یهودیان قلمداد کنیم؛ زیرا با توجه به چند آیه قبل و بعد که روی سخن با اهل کتاب است، هرگز نمی‌توان آیه را بر وجهی که با سیاق ناسازگار است، تفسیر کرد.»
(فخر رازی، 153/12)

آیاتی چون اکمال، ولایت، تطهیر و... به رغم شأن نزول‌ها و روایات فراوانی که نشان می‌دهد دربارهٔ جانشینی علی 7 و نیز عصمت اهل بیت : نازل شده است، از سوی مفسران اهل تسنن به استناد وحدت سیاق، در معنای غیرحقیقی آن تفسیر شده است و از شواهد و قرائن موجود در آیات و نیز روایات بی‌شمار در تفسیر و تأویل آن غفلت و یا تغافل شده است.

برخی مفسران شیعه با وجود اعتقاد به توقیفی بودن چینش و ترتیب آیات در مورد بعضی از آیات، نظریه خاصی ارائه می‌دهند. علامه طباطبایی : دربارهٔ جملهٔ
(**أَلْيَوْمَ يَأْتِسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...**) (مائده/3) می‌نویسد:

«این جمله‌ای معترضه است که در وسط آیه فوق قرار گرفته است و دلالت و بیان لفظ آیه به هیچ وجه متوقف بر این جمله نیست، خواه بگوییم این جمله یک آیه‌ای است که در میان آیه اکمال نازل شده و از همان ابتدای نزول میان این آیه قرار گرفته است و یا بگوییم این دو آیه از هم جدا بوده و هر یک به صورت مستقل نازل شده‌اند، اما به دستور پیامبر 9 در این مکان قرار گرفته

برخی حامیان «وحدت موضوعی» بعد از تفصیل بحث درباره آیات اکمال، ولایت و تبلیغ و ذکر آرای مفسران در تفسیر آن، حل اختلافات مفسران در مورد آیات نام برده را مرهون پذیرش نظریه «وحدت موضوعی» دانسته و می‌نویسند:

«هیچ یک از پاسخ‌های ارائه شده از سوی مفسران نمی‌تواند مشکل آیات مزبور را حل کند.» (خامه‌گر، 33/37 و 38) سپس می‌افزاید: «راه حل دیگری که می‌تواند پاسخ‌گوی شبهه یاد شده باشد، بی‌آنکه ارتباط و تناسب آیات را نادیده بگیرد و یا به وادی اجتهادی بودن نظم آیات فرو غلند، آن است که آیات مذکور را از منظر «وحدت موضوعی» سوره‌ها بررسی کنیم. در روش تفسیری مبتنی بر «وحدت موضوعی»، هیچ ضرورتی ندارد که همه آیات و یا حتی جمله‌های مجاور، با یکدیگر مرتبط بوده و کاملاً متناسب باشند، بلکه اگر آنها با موضوع و غرض اصلی سوره در ارتباط باشند، باز هم ارتباط منطقی و ارگانیک آیات حفظ شده و هیچ عملی بر خلاف حکمت و بلاغت صورت نگرفته است.» (همان، 41/37)

سپس بر اساس ابزارهای ارائه شده برای کشف موضوع اصلی، غرض غایی سوره مائده را معرفی می‌کنند: «این سوره، مردم را به وفای به عهد و حفظ انواع پیمان‌ها دعوت می‌کند و آنان را از پیمان شکنی و بی‌اعتنایی به آن می‌ترساند.» (طباطبایی، 244/5)

و با این استدلال اذعان می‌دارند که با کشف غرض اصلی، بی‌هیچ تکلفی آیات مورد نظر، هم سو با غرض اصلی و متناسب با شواهد و قراین داخلی و خارجی تفسیر می‌شود!

ترجمه پیوسته قرآن، یکی دیگر از نتایجی است که به زعم طرفداران «وحدت موضوعی»، با اثبات این نظریه به دست می‌آید؛

«یکی از دلایلی که موجب بی‌رغبتی نسل جوان به درک مفاهیم و معارف قرآن شده است، ترجمه‌های نارسا و مبهمی است که از قرآن کریم ارائه می‌شود، این ترجمه‌ها با ترسیم چهره‌ای نازیبا و گسسته از قرآن و ایجاد تشویش در ذهن خواننده، باعث می‌شود خواننده ناآشنا به زبان عربی به تدریج از معارف قرآن



فاصله بگیرد.» (پی آزارشیرازی، 377/1)

به اعتقاد قرآن پژوه معاصر، بی توجهی اغلب مترجمان و مفسران به نظم و ارتباط آیات موجب شده است که ترجمه‌ها و تفسیرها، به خصوص ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن گسسته شود.

قائلان دست‌یابی به ترجمه‌ای جذاب و پذیرنده نیز راه حل اختلافات تفسیری، اثبات عقاید و باورهای شیعی را در گرو کشف غرض اصلی هر سوره دانسته‌اند. مطلب پیش‌گفته بدان معناست که غرض اصلی سوره، مفسر را در تفسیر آیات به ظاهر پراکنده یک سوره دلالت و راهنمایی می‌کند و آیات با تاسی به موضوع اصلی سوره، مفاهیم خود را آشکار می‌سازند و ناهماهنگی‌ها برطرف می‌شود، در حالی که همین امر ابهامات و سؤالات فراوانی را ایجاد می‌کند! معیار دست‌یابی به غرضی که نقش اساسی و تعیین‌کننده را در فهم تمامی آیات یک سوره دارد، چیست؟ و آیا با خطا در تعیین موضوع اصلی، زمینه انحراف فهم و تفسیر فراهم نمی‌آید؟

دکتر بهشتی با توجه به اهمیت سؤالات یاد شده می‌گوید:

«...گاهی سبب می‌شود که انسان قرآن را اشتباه بفهمد؛ یعنی به دنبال رابطه‌ای بگردد که این رابطه وجود ندارد.» (بهشتی، 18/)

شوکانی (م 1255هـ) از مخالفان سرسخت وحدت موضوعی می‌گوید:

«سخن گفتن درباره وحدت موضوعی ابداع رأیی است که خداوند آن را بر کتاب خود ممنوع کرده است. آنان به ارتباط‌هایی میان آیات اشاره می‌کنند که جز تکلف و حیرت چیزی به همراه ندارد و به انحرافی روی آورده‌اند که هر منطقی از آن دوری می‌جوید.» (شوکانی، 73/1)

شیخ محمد عبدالله غزنوی (م 1296هـ) نیز فرو افتادن در گرداب تفسیر به رأی را گوشزد می‌کند:

«بدان که بیشتر مفسران به دانشی تکلف‌آمیز و سخنی ناهنجار روی آورده‌اند و در برابر دریایی موج و متلاطم تسلیم شده‌اند که شنا کردن در آن آسان نیست.

عمر خود را در فنی مشغول کرده‌اند که ره به جایی نمی‌برد و بی‌فایده است. بلکه می‌توان گفت خود را در وادی قرار داده و از اموری سخن می‌گویند که سر از تفسیر به رأی در می‌آورد؛ در صورتی که می‌دانیم از تفسیر به رأی شدیداً نهی شده‌ایم.» (غزنوی، 14/)

بنابراین، به رغم اهتمام و اصرار فراوان برخی از قرآن‌پژوهان برای اثبات این نظریه، احتمال فرو غلتیدن در وادی تفسیر به رأی، آفتی است که فرضیه «وحدت موضوعی» را سست و متزلزل می‌نماید و اختلافات فراوان در تبیین و ارائه غرض اصلی در هر سوره از سوی طرفداران، اعتقاد به بطلان این نظریه را تقویت می‌کند.

9. تشتت آرای طرفداران این نظریه در تعیین غرض اصلی سوره‌ها

برخی مفسران با اعتقاد به نظریه وحدت موضوعی و کاوش برای دست‌یابی به موضوعات اصلی هر سوره، به معرفی هدف اساسی و محور اصلی سوره‌ها پرداخته‌اند. کثرت اختلاف در موضوعات ارائه شده و تشتت استدلال‌ها در تبیین پیوند آیات، فرضیه مذکور را سخت متزلزل و بی‌ثبات می‌نماید. برای نمونه آرای مفسران درباره غرض اصلی سوره ملک را بیان می‌کنیم:

1. غرض این سوره عمومیت و گستردگی ربوبیت الهی بر تمامی عالم است. علامه برای دست‌یابی به غرض اصلی سوره چهار نکته را در نظر می‌گیرد. الف) توجه به شرایط تاریخی و فرهنگی عصر بعثت و شرک فراگیر و در نتیجه ضرورت تکیه بر ربوبیت تامه الهی.

ب) به کارگیری واژه «تبارک» در آغاز سوره و رابطه معنایی آن با ربوبیت الهی.³

ج) تکرار وصف «رحمان» به معنای رحمت فراگیر الهی در سوره و ارتباط معنایی این وصف با ربوبیت الهی.

د) اقتضای سیاق. (طباطبایی، 348/19)

2. غرض اصلی در این سوره، بیان خالقیت و مالکیت الهی است؛ بدان معنا که سوره در مقام تبیین مالکیت و حاکمیت مطلق الهی است. تفاسیری چون «فی ظلال



القرآن»، «اهداف کل سورة و مقاصدها»، «التفسير المنير» و «تفسير نمونه» این رأی را برگزیده‌اند و در کتاب «ایضاحات و معانی علی تفسیر النسفی» این دیدگاه تقویت شده است.

سید قطب درباره غرض اصلی و محوری این سوره، ذهنیت جدیدی از هستی و رابطه آن با خالق جهان، به وجود می‌آورد. این تصور گسترده از وسعت عامه زمین و محدوده تنگ دنیا فراتر می‌رود و به جهان آخرت و دنیای آسمان‌ها راه می‌یابد. وی در پایان سوره و در نتیجه گیری از نکته‌ها و درس‌های سوره ملک، این تصور جدید از هستی را این گونه ترسیم می‌کند:

«این سوره در حقیقت، قدرت مطلق و حاکمیت بی‌چون و چرای الهی را در لوح وجود آدمی نقش می‌زند.» (سید قطب، 3628-3629/6)

ابزارهای کشف غرض اصلی سوره، در منظر سید قطب عبارتند از:

الف) مکی بودن سوره ملک؛

ب) واژه تبارک در مطلع سوره ملک؛

وی در این باره می‌گوید:

«کلمه «تبارک» که در ابتدای سوره ذکر شده، کثرت برکات الهی را بیان

می‌کند و... ذکر «مُلک» در کنار واژه «تبارک» می‌فهماند که این برکت در این

ملک جاری است.» (همان، 3631/)

ج) سیاق آیات این سوره.

تمامی آیات این سوره به توصیف ابعادی از قدرت الهی پرداخته‌اند.

دکتر وهبه الزحیلی استاد دانشگاه دمشق، همانند سید قطب، غرض اصلی سوره

ملک را بیان قدرت الهی دانسته، اما برای اثبات نظریه خود به تناسب سوره‌ها

استدلال می‌کند:

«این سوره -الملک- فی الجملة مضمون سوره قبل را تأکید می‌کند. سوره تحریم

- سوره قبلی- با بیان توانایی و قدرت خداوند برای حمایت از پیامبرش در برابر

مخالفت‌های احتمالی همسران به پایان می‌رسد، و این سوره با بیانی عام‌تر به

گسترده‌گی قدرت خداوند می‌پردازد و می‌فرماید: مالکیت آسمان‌ها و زمین به دست خداست و او بر هر چیز قادر و تواناست.» (وهبه الزحیلی، 5/29-30)

دکتر عبدالعال احمد عبدالعال، استاد تفسیر و حدیث دانشگاه الازهر نیز در شرحی که بر تفسیر «نسفی» نگاشته است، همین غرض را برای سوره برگزیده است. (عبدالعال احمد عبدالعال، 151/2)

وی واژه «تبارک» و سیاق آیات را ابزارهای راه‌یابی به مقصود خود می‌داند. دکتر شحاته، همین رأی را در تفسیر خود «اهداف کل سوره و مقاصدها» برگزیده است و دلایل دکتر عبدالعال را تأیید می‌نماید. (شحاته، 13/3)

تفسیر نمونه نیز همین رأی را انتخاب نموده و با صراحت، نقل این نظر را از تفسیر فی ظلال القرآن اعلام می‌دارد. (مکارم شیرازی، 315/24)

3. غرض غایی و هدف نهایی سوره ملک بیان مبانی توحیدی، اعم از ربوبیت و مالکیت الهی است.

علامه سید محمد حسین فضل الله در این باره می‌گوید:

«سوره ملک از سوره‌های مکی است و برای تربیت و پرورش عقیده توحیدی در عقل و روح و شعور انسان‌ها نازل شده است تا در نهایت انسان را به خشوع در برابر پروردگار و احساس عبودیت و بندگی برای او بکشاند.» (فضل الله، 8/23-25)

وی مهم‌ترین دلیل خود را سیاق آیات معرفی کرده است. با استناد به آیات متعددی از این سوره، هر یک را به طریقی به وحدانیت الهی مرتبط دانسته، می‌گوید:

«عجایب آسمان و زمین، مرگ و حیات، حرکت پرندگان در آسمان‌ها و تمامی نعمت‌های یاد شده در آیات می‌خواهند این حقیقت را بیان کنند که مردم بدانند تنها خداست که به واسطه تسلط بر همه امور، آنها را از حوادث و بلاها حفظ می‌کند.» (همان، 9/)



در کتاب «نظم قرآن» نیز بیان شده که سوره ملک همچون سوره تغابن، توحید را در چهار بُعد آن - مالکیت، قدرت، آفرینش و علم که چهار پایه اصلی عالم را تشکیل می‌دهند - تبیین می‌کند. برای اثبات این ادعا، به سیاق آیات و مفهوم تبارک استناد شده است. (بازرگان، 245-246/3)

نگارنده تفسیر «البصائر» بی آنکه دلیلی روشن برای ادعای خود ذکر کند، قبل از آغاز تفسیر سوره ملک، در بخشی با نام «الغرض» به معرفی هدف اصلی سوره پرداخته، می‌نویسد:

«غرض این سوره اثبات قدرت کامل و شامل الهی و عظمت نامحدود اوست، همچنین علم بی‌انتهای خداوند و رحمت گسترده او و نیز ربوبیت بی‌کران او که در تمامی جلوه‌های هستی تجلی یافته، اثبات می‌شود و به فلسفه آفرینش به طور عام و به مرگ و حیات به طور خاص اشاره دارد.» (جویباری، 7/48)

نگارنده تفسیر «الفرید» می‌گوید:

«این سوره مشتمل بر تنزیه خداوند سبحان و بیان صفات کمالیه اوست.» (محمد عبد المنعم الجمال، 3142/4)

4. پرورش حالت خشیت نسبت به خداوند، غرضی است که از سوی تفاسیری چون «من هدی القرآن» و «نظم الدرر» برای این سوره ارائه می‌شود. علامه محمد تقی مدرسی، غرض سوره را پرورش احساس خشیت پنهانی از خداوند دانسته است. (مدرسی، 128/16)

وی پس از توضیح و تبیین چگونگی پیوند آیات با این غرض نتیجه می‌گیرد: «شاید بتوان گفت آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ) (ملک/13) کلید اصلی راه‌یابی به این غرض باشد.» (همان، 129-130/13)

وی سوره ملک را به سه بخش تقسیم می‌کند و هر بخشی را با غرض اصلی سوره ارتباط می‌دهد؛

«آیات (1-5) عظمت و رحمت خداوند را ترسیم می‌کند و از این رهگذر خشیت را در دل‌ها بارور می‌سازد.

آیات (14-6) از کافران و عذاب آنها سخن می‌گوید. کفر سبب محرومیت از معرفت می‌شود، در حالی که خشیت بازتاب معرفت و آگاهی است. خداوند در پرتوی این آیات، خطر کفر، غرور و محرومیت را یادآور می‌شود.

آیات (30-15) یکی از عوامل مهم محرومیت از خشیت الهی را بیان می‌کند. تکیه بر اسباب و علل مادی و غفلت از خداوند سبب آفرین، ثمره اندیشه‌های شرک آلودی است که در این آیات مورد توجه قرار گرفته است. «همان، (129/16) نگارنده تفسیر «نظم الدرر» با تکیه بر دلایل و شواهدی درباره غرض سوره «ملک» چنین می‌گوید:

«مقصود این سوره، خضوع و خشوع در برابر خدایی است که بر تمامی هستی سلطنت دارد.»

وی بی آنکه آیات را دسته‌بندی کند و کیفیت ارتباط هر دسته از آیات را با غرض و هدف اصلی سوره باز گوید، تک تک آیات را با غرض مرتبط دانسته و چگونگی پیوند هر آیه را با غرض اصلی تبیین می‌کند. وی در تحلیل نام‌گذاری سوره می‌نویسد:

«نامیدن این سوره به «الملک» دلیلی روشن است که اثبات می‌کند مقصود نهایی این سوره خضوع در برابر خداوند است؛ زیرا ملک محل خضوع برای کسانی است که پادشاه را می‌بینند.» (بقاعی، 216/20)

5. غرض اصلی و موضوع محوری سوره ملک، بیان راه سعادت و نیکبختی است.

تفسیر «صفوة العرفان» موضوع اصلی و غرض محوری آن را تبیین راه وصول به سعادت و نیکبختی می‌داند؛

«غرض اصلی از نزول سوره ملک این است که به جهانیان اعلام کند هر کس طالب نیکبختی و سعادت دنیا و آخرت است، باید در پی جلب رضایت و خشنودی پروردگاری باشد که پادشاهی و ملک عالم در دست قدرت اوست... اما برای ترسیم راه نجات، از عظمت و اقتدار خداوند سخن می‌گوید و فقر و



نیازمندی انسان را به سرچشمه هستی به تصویر می‌کشد و از نعمت‌ها و جلوه‌های جمال حق نکته‌هایی را باز می‌گوید تا با درک نعمت‌ها و زیبایی‌ها، زیبایی جلوه خالق نعمت‌ها نیز به دست آید، و این همه زمینه شکر و سپاس را فراهم سازد و موجبات سرسپردگی و پیروی از حق را مهیا نماید. حرکت و پیروی از دستورات الهی به معنای پیمودن راه سعادت و رستگاری است. اگر در این سوره از کافران و عذاب آنان سخن به میان آمده، در حقیقت سخن از سرنوشت کسانی است که از صراط و جاده سعادت بیرون مانده‌اند و دل را به تاریکی‌ها و ظلمت کفر سیاه کرده‌اند». (خالدی، 593 - 595/6)

سلطان العلماء وصول به غرض اصلی سوره ملک را در گروهی تناسب و پیوند این سوره با سوره قبل - تحریم - دانسته است. علاوه بر آن وی نام‌های متعدد سوره، «المانعه، المنجیه، المجادله» را نیز از ابزارهای دستیابی به این غرض معرفی می‌کند و می‌نویسد:

«در انتهای سوره تحریم سخن از چهار زن است که دو تن از آنها اهل سعادت و رستگاری و دو تن دیگر اسیر شقاوت و تباهی‌اند، بنابراین سوره تحریم با معرفی کسانی که از طریق طاعت به سعادت راه یافته‌اند و یا به خاطر فسق و کفر به شقاوت فرو غلطیده‌اند به پایان می‌رسد. در سوره ملک همین معنا با زبانی دیگر دنبال می‌شود و راز وصول به نیکبختی را طاعت و پیروی از خالق و مالک هستی می‌داند.» (همان)

6. غرض اصلی سوره ملک بیان تعالیم اسلامی و غفلت‌زدایی از مردم است. ابوالاعلی مودودی در تفسیر «تفهیم القرآن» در این باره می‌نویسد:

«این سوره از یک سو تعالیم اسلامی را به صورت اختصار بیان می‌کند و از سوی دیگر، به غفلت‌زدگان به شکل فوری اخطار می‌دهد که از تنگنای غفلت بیرون آیند.» (مودودی، 8/6)

وی با اتکا به دلایل و شواهدی، غفلت‌زدایی را محور و غرض نهایی این سوره می‌داند و مکی بودن سوره ملک نخستین دلیل مورد توجه این مفسر بوده است و در این باره می‌گوید:

«از ویژگی سوره‌هایی که در سال‌های آغازین نهضت اسلام و در مکه نازل شده‌اند این است که تعلیمات اسلامی و اهداف بعثت را به اختصار ارائه می‌دهند تا به تدریج مورد توجه و پذیرش قرار گیرد. آنچه پیش از همه بر آن تأکید می‌شود، غفلت‌زدایی است تا مردم وادار به تفکر شوند و تا وجدان‌های خواب‌بیدار شوند.» (همان)

نگارنده تفسیر «تفهیم القرآن» با تقسیم‌بندی آیات سوره ملک، برای هر دسته از آنها عنوانی را انتخاب می‌کند و سپس به تبیین و تشریح ارتباط آیات با هدف اصلی سوره می‌پردازد. وی غرض پنج آیه اول سوره ملک را توجه به عظمت هستی می‌داند و آیات 11-6 را به تصویر عاقبت هول‌انگیز کفار اختصاص می‌دهد و به همین ترتیب تا پایان سوره نکته‌ای خاص را برای هر دسته از آیات باز می‌گوید (همان)

مواردی از ضعف دلایل

هر یک از ابزارهای مورد توجه طرفداران وحدت موضوعی را برای کشف موضوع محوری سوره ملک مورد بررسی قرار می‌دهیم و ضعف استدلال آن را بازگو می‌کنیم.

الف) مکی بودن سوره ملک

از ابزارهایی که در کشف موضوع اصلی سوره مورد توجه طرفداران نظریه وحدت موضوعی قرار گرفته، مکی بودن سوره ملک است. مفسرانی چون سید قطب (فی ظلال القرآن، 3628/6)، سید محمد حسین فضل الله (من وحی القرآن، 8/23-25)، ابوالاعلی مودودی (تفهیم القرآن، 8/6) و... با اعتقاد و پایبندی به نظریه



مشهور درباره سوره‌های مکی، هر یک غرضی مرتبط با این باور را از سوره ملک ارائه می‌دهند.

با فرض پی‌جویی، تبیین و تصحیح باورها و اصول اعتقادی در سوره‌های مکی که به عقیده اکثر مفسران، از ویژگی‌های اصلی سوره‌های مکی معرفی می‌شود؛ از آنجا که موضوعات و مباحث مرتبط با اصول عقاید متعدد و گسترده است، نمی‌توان با فرض مکی بودن سوره غرض خاص آن را نیز معین کرد و در واقع مکی بودن سوره برای اثبات غرض اصلی آن، اعم از مدعاست؛ زیرا مکی بودن سوره در نهایت، اعتقادی بودن موضوع آن را اثبات می‌کند، اما کدام یک از مباحث عقیدتی در سوره مورد بررسی قرار گرفته؛ موضوع اصلی سوره، توحید، معاد، نبوت و... است؟ کدام یک از ابعاد توحید محور اساسی سوره است؛ مالکیت، خالقیت، ربوبیت و...؟ هیچ‌یک از موارد یاد شده مستلزم مکی بودن سوره نخواهد بود.

نارسایی دلیل یاد شده در تعیین غرض اصلی، موجب شده تا مفسران نام برده به رغم اعتقاد به مکی بودن سوره ملک و عقیدتی بودن مطالب آن، در تعیین غرض اصلی دچار اختلاف رأی شوند.

از یک سو هیچ‌یک از غرض‌های ارائه شده قابل انطباق با دیگری نیست و از سوی دیگر هیچ میزان و معیار قطعی برای ترجیح هر یک بر دیگری وجود ندارد! برخی قرآن‌پژوهان، یکی از راه‌های کشف مکی و یا مدنی بودن سوره‌ها را توجه به ویژگی‌های محتوایی سوره می‌دانند و اذعان می‌دارند در مواردی که مکی و یا مدنی بودن سوره‌ای نامعلوم است، مفاهیم آیات را بررسی می‌کنیم، در صورتی که آیات آن مسائل اعتقادی و بازسازی آن را بیان می‌کرد، این ویژگی نشان می‌دهد که سوره، مکی است.

با چنین فرضی تکیه بر مکی بودن سوره برای راه‌یابی به غرض اصلی ناممکن است؛ زیرا مکی بودن سوره نیز در گرو فهم محتوای سوره است.

ب) آیات آغازین سوره

آیات آغازین سوره‌ها، از ابزارهای مورد توجه برخی از مفسران برای وصول به غرض اصلی سوره است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

«از آنجا که غرض سوره بیان عمومیت ربوبیت الهی است، خداوند در این سوره کلام را با «تبارک» آغاز کرده است، چون این کلمه به معنای کثرت صدور برکات از ناحیه خداوند است.» (طباطبایی، 364/19)

دکتر عبدالعال احمد عبدالعال اولین دلیل خود را برای اثبات غرض مورد نظر، لفظ «تبارک» دانسته است؛ اما با استناد به این واژه، غرض سوره را مالکیت و حاکمیت مطلق الهی می‌داند، کیفیت استدلال نیز با آنچه علامه می‌گوید، متفاوت است. (عبدالعال احمد عبدالعال، 5/2) دکتر شحاته همین عنوان را با استناد به اولین آیه (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (ملک/1) غرض اصلی سوره معرفی می‌کند و در این باره می‌گوید:

«از حقیقت مالکیت و قدرت است که همه نعمت‌ها و حرکات آشکار و پنهان موجودات سرچشمه می‌گیرد...» (شحاته، 13/3)

و در ادامه هر یک از نعمت‌های موجود در سوره را یادآور می‌شود و دربارهٔ نعمت‌های نام برده در سوره می‌نویسد:

«همگی از تجلیات قدرت و مالکیت خداوند است. بنابراین همه حقایق و واقعیت‌های موجود در این سوره، هر یک به نحوی از نورافشانی مطلع زیبا و جامع سوره استمداد می‌شود.» (همان)

سید قطب نیز با تکیه بر مطلع سوره ملک به ویژه لفظ «تبارک» که در ابتدای آیه آمده است، توفیق دستیابی به غرض سوره را ناشی از الهام می‌داند؛ الهامی که از جانب خداوند، توسط این آیه و این کلمه برجان او سایه افکنده است، و آیه مذکور را «مطلع الجامع الموحی» می‌نامد و در این باره می‌گوید:

«کلمه تبارک که در ابتدای سوره ذکر شده است، کثرت برکات الهی و ازدیاد



آن را بیان می‌کند... و ذکر ملک در این سوره و در کنار تبارک می‌فهماند که این برکت در این ملک جاری است.» (سید قطب، 128/16)

مؤلف کتاب «نظم قرآن» با استمداد از واژه تبارک، غرض سوره را تبیین توحید در چهار زمینه مالکیت، قدرت، آفرینندگی و علم دانسته و می‌نویسد:
«سوره ملک با تبارک آغاز می‌شود و کثرت صدور برکات را از جانب پروردگار نشان می‌دهد. بنابراین هدف این سوره بیان معانی توحیدی در زمینه‌های متنوع ربوبیت و رحمانیت می‌باشد.» (بازرگان، 245/3)

در بیان آرای یاد شده در تعیین غرض اصلی سوره ملک، اختلافات کاملاً مشهود است، در حالی که تمامی دیدگاه‌های نامبرده، ابزار وصول به غرض مورد نظر خود را مطلع سوره و به ویژه، واژه «تبارک» قرار داده‌اند.

ج) سیاق آیات

سیاق آیات دلیل دیگری است که برای راه‌یابی به موضوع و غرض اصلی سوره ملک معرفی شده است. برخی با استناد به سیاق آیات سوره ملک، خشوع و خضوع در برابر خداوند را محور اصلی سوره دانسته‌اند.

علامه محمد تقی مدرسی با تقسیم آیات به سه بخش عمده، بر این باور است که هر یک از بخش‌های یاد شده با غرض اصلی یعنی خشیت و خضوع در برابر عظمت الهی مرتبط است. نگارنده تفسیر «نظم الدرر» بی آنکه آیات را به بخش‌های مستقلی تقسیم کند، هر یک از آیات را با غرض اصلی پیوند می‌زند.

برخی مفسران نیز با تکیه بر سیاق آیات که به شمارش نعمت‌های الهی پرداخته، محور و غرض اصلی سوره را تبیین خالقیت و مالکیت الهی دانسته‌اند. تفاسیری چون فی ظلال القرآن، (اهداف کل سوره و مقاصدها)، (سید قطب، 31/6-3629) التفسیر المنیر (وهبه الزحیلی، 30-5/29) و تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، 312/24) همین رأی را برگزیده‌اند. در حالی که علامه طباطبایی، برداشت مذکور را ناصحیح دانسته است. وی بر این باور است که غرض اصلی سوره ملک، تبیین ربوبیت عامه الهی است. علامه، رابطه نعمت‌های بازگو شده در سوره ملک و

ربوبیت عامه الهی را این‌گونه توضیح می‌دهد: «در این سوره بسیاری از نعمت‌های الهی از خلقت و تدبیر نام برده شده است و در حقیقت این نعمت‌ها استدلالی است بر ربوبیت الهی.» (طباطبایی، 348/19)

تشتت آرای یاد شده با تکیه بر سیاق سوره، به روشنی این واقعیت را بیان می‌کند که سیاق هم نمی‌تواند راه‌گشای مقصود اصلی سوره باشد و در پرتوی سیاق هم نمی‌توان به رأی واحد در تعیین غرض اصلی سوره راه یافت.

د) ارتباط هر یک از سوره‌ها با سوره پیشین

برخی مفسران با الهام از تناسب مضمون سوره ملک با آیات پایانی سوره تحریم، غرض اصلی را معرفی می‌نمایند. دکتر وهبه الزحیلی بر این باور است که سوره تحریم در جهت بیان میزان قدرت خدا در حمایت از پیامبر ۹ است، سوره ملک نیز به تفصیل از قدرت الهی و اثبات آن سخن می‌گوید. (وهبه زحیلی، 30-5/29)

صاحب تفسیر «صفوة العرفان» نیز همین تناسب را سر راه‌یابی به غرض سوره ملک دانسته است، اما با اتکا به همین ابزار، موضوعی متفاوت را معرفی می‌کند. وی غرض اصلی سوره را بیان راه سعادت و نیکبختی می‌داند و کشف این غرض را در گروهی تناسب مضمون سوره با آیات پایانی سوره تحریم دانسته است. وی تناسب را این‌گونه باز می‌گوید:

«انتهای سوره تحریم از شقاوت و سعادت چهار زن سخن گفته است، سوره تحریم با معرفی کسانی که از طریق طاعت به سعادت رسیده‌اند و یا به خاطر اعراض و روی گرداندن از خداوند به شقاوت و تباهی فرو غلطیده‌اند، به پایان می‌رسد. سوره ملک نیز همین معنا را باز می‌گوید، با این بیان که سعادت و شقاوت انسان مرهون رضایت خداوندی است که سلطنت و پادشاهی هستی در دست پر قدرت اوست.» (خالدی، 593/6)

گرچه توقیفی بودن چینش و ترتیب سوره‌های قرآن با نظام فعلی مورد اتفاق نیست و عده‌ای از قرآن پژوهان ترتیب موجود را اجتهادی دانسته و بر این باورند



که این چنین با صلاح‌دید اصحاب و بر اساس ملاک‌های بشری صورت گرفته است، اما با فرض الهی بودن چنین فعلی سوره‌ها، هرگز نمی‌توان سرّ این ترتیب را در ارتباط و پیوند مضامین سوره‌ها جستجو کرد. به همین علت عده‌ای از قرآن‌پژوهان با فرض توقیفیت ترتیب سوره‌ها و نیز با اذعان و اعتقاد به وحدت موضوعی سوره‌ها، چنین پیوند و ارتباطی را انکار می‌کنند. علاوه بر آن، ضابطه و معیار قطعی و روشنی که بتواند با تکیه بر آن چنین ارتباطی را میان سوره توجیه کرد، وجود ندارد. ارتباطات یاد شده از سوی طرفداران «وحدت موضوعی» کاملاً متفاوت است. ضابطه و ملاک ثابت برای رد و یا اثبات هر یک از اقوال یاد شده وجود ندارد، معیارها و دلایل بیان شده از حدّ ظن و گمان فراتر نمی‌روند.

ه) نام سوره‌ها

عده‌ای از مفسران با تکیه بر نام‌های سوره مدعی کشف غرض اصلی سوره‌ها شده‌اند. تفسیر «نظم الدرر» در این باره می‌گوید:

«نامیدن این سوره به ملک دلیل روشنی است که ثابت می‌کند مقصود از این سوره خضوع برای خداوند متعال است، زیرا ملک محل خضوع است برای هر کسی که پادشاهی را می‌بیند.» (بقاعی، 216/20)

نگارنده تفسیر «صفوة العرفان»، نام‌های سوره ملک را مفاهیمی متناسب با غرض اصلی سوره می‌داند و این در حالی است که غرض سوره را تبیین راه‌های وصول به نیکبختی دانسته است.

بر آنچه از سوی طرفداران نظریه وحدت موضوعی در تعیین غرض اصلی سوره ملک بیان شده، می‌توان توجیهاتی دیگر افزود.

تفاوت‌های آشکار در بیان غرض اصلی سوره مورد بحث به رغم ابزارهای مشترک، حکایت از ضعف و سستی معیارهای معرفی شده دارد و با فرض غیر توقیفی بودن نام سوره‌ها، بنیاد این ابزار نیز فرو می‌ریزد و هرگز نمی‌توان اسامی و نام‌هایی را که از سوی بشر عادی برای سوره‌ها انتخاب شده است، ملاک فهم مقاصد سوره دانست.

پی نوشت‌ها:

1. تفاسیر علمی، از جمله تفاسیر عصری است که با انگیزه تطبیق آیات با دستاوردهای تجربی دنیای غرب و با انگیزه هماوردی با تمدن جدید انجام گرفت.
2. برخی، اوصافی همچون «کتاب» (آل عمران/58)، «عزیز» (فصلت/41)، «قول فصل» (طارق/13)، «حکیم» (آل عمران/58)، (نُورًا مُبِينًا) (نسا/174)، (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ) (فصلت/42)، (بَصَائِرَ لِلنَّاسِ) (قصص/43)، (إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ) (بس/69) و... را به عنوان شاهی بر ضرورت نظم درونی و ارتباط آیات و در نهایت «وحدت موضوعی» سوره‌های قرآن آورده‌اند. سیوطی معتقد است که قرآن حکیم است؛ زیرا آیات قرآن به واسطه نظم شگفت و معانی تازه و نو، محکم شده است، طوری که تبدیل و تحریف و اختلاف و تباین را در آن راهی نیست. (سیوطی، الاتقان، ج 1، ص 187)
3. علاوه بر ارتباط معنای لغوی «تبارک» با «ربوبیت الهی» استعمالات قرآنی نیز به خوبی این تناسب و ارتباط را نشان می‌دهد. در قرآن کریم کلمه «تبارک» 9 بار استعمال شده است که در 3 مورد لفظ تبارک به طور مستقیم به ربوبیت الهی مرتبط است؛ اعراف/54، غافر/64، الرحمن/78 و در 6 مورد باقی مانده نیز سیاق آیات و ملاحظه آیات قبل و بعد آن نشانگر این ارتباط معنایی است؛ مؤمنون/14، فرقان/10.1 و 61، ملک/1. (سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج 11، ص 252)

منابع و مأخذ:

1. آلوسی، علی؛ الطباطبائی و منهجه فی تفسیر المیزان، ترجمه میرخلیلی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1405 ق.
2. ابن منظور؛ لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1405 ق.
3. امینی، عبدالحسین؛ الغدير، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
4. ایازی، سید محمد علی؛ چهره پیوسته قرآن، نشر هستی نما، تهران، 1380 ش.
5. بازرگان، عبدالعلی؛ نظم قرآن، پژمان، بی جا، 1372 ش.
6. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1419 ق.
7. البقاعی؛ نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، تحقیق عبدالرزاق غالب المهدي، دار الكتاب العلمیه، بیروت، 1415 ق.
8. بهشتی، سید محمد حسین؛ روش برداشت از قرآن، انتشارات هادی، بی جا، 1360 ش.
9. بی آزار شیرازی، عبد الکریم؛ قرآن ناطق، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، 1376 ش.
10. التهانوی، محمد علی؛ موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، مكتبة لبنان للنashرون، بیروت، 1996 م.
11. الجمال، محمد عبد المنعم؛ التفسیر الفرید للقرآن المجید، مطابع الاهرام التجارية، قاهره، بی تا.
12. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، 1378 ش.



13. جوان آراسته، حسین؛ درس نامه علوم قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، قم، 1379 ش.
14. الجویباری، یعسوب الدین؛ تفسیر البصائر، المكتبة الاسلامیه، قم، 1399 ق.
15. حجازی، محمد محمود؛ الوحدة الموضوعیه فی القرآن الکریم، دارالکتاب الحدیثه، قاهره، 1390 ق.
16.؛ تفسیر الواضح، دارالجلیل، بیروت، 1969 م.
17. حجتی، سید محمد باقر و بی آزار شیرازی، عبد الکریم؛ تفسیر کاشف، چاپ چهارم دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376.
18. حسن زاده آملی، حسن؛ فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، انتشارات قیام، بی‌جا، 1371 ش.
19. حکیم، محمد باقر؛ علوم القرآن، چاپ سوم، مجمع الفکر الاسلامی، بی‌جا، 1417 ق.
20. حوی، سعید؛ الاساس فی التفسیر، چاپ سوم، دار السلام للطباعة و النشر و التوزیع، قاهره، 1991 م.
21. خالدی، الصلاح عبد الفتاح؛ البیان فی اعجاز القرآن، دار عمار، عمان، 1413 ق.
22. خالدی، محمد علی؛ صفوة العرفان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بی‌نا، دوحه، 1996 م.
23. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره‌های قرآن، شرکت چاپ و نشر بین الملل، بی‌جا، 1382 ش.
24. خرماشاهی، بهاء الدین؛ ذهن در زبان حافظ، چاپ دوم، نشر نو، بی‌جا، بی‌تا.
25. خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دار الزهراء، بیروت، 1408 ق.



26. رافعی، مصطفی؛ اعجاز القرآن و بلاغته النبویه، چاپ نهم، دارالکتاب العربیه، بیروت، بی تا.
27. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1379 ش.
28. رشید رضا، محمد؛ تفسیر المنار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1420 ق.
29. الزحیلی، وهبة؛ التفسیر المنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت، 1411 ق.
30. زرکشی، بدرالدین؛ البرهان فی علوم القرآن، تحقیق دکتر یوسف عبدالرحمان مرعثلی، شیخ جمال الدین الذهبی، الشیخ ابراهیم عبدالله الکردی، دارالمعرفه، بیروت، 1410 ق.
31.؛ البرهان فی علوم القرآن، چاپ دوم، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
32. الزمخشری، محمود؛ الکشاف، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
33. سبحانی، جعفر؛ تفسیر صحیح آیات مشکله، نشر عدالت، قم، 1360 ش.
34. سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، انتشارات کوشش، بی جا 1373 ش.
35. سعیدی روشن، محمد باقر؛ علوم قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1377 ش.
36. سید قطب؛ فی ظلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل، نشر احسان، بی جا، 1378 ش.
37.؛ فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت، 1419 ق.
38. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الاتقان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت، 1416 ق.

39.؛ الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1363ش.
40.؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1420ق.
41. شاکر، محمد کاظم؛ قرآن در آئینه پژوهش، نشر هستی نما، تهران، 1380ش.
42. شحاته، عبدالله محمود؛ اهداف کل سورة و مقاصدها، هیئة المصریه العامه للکتب، قاهره، 1990م.
43.؛ اهداف کل سورة و مقاصدها، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1369ش.
44.؛ تفسیر القرآن الکریم، دار الغریب للطباعة و النشر و التوزیع، قاهره، بی تا.
45. شریعتی، محمد تقی؛ تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
46. شوکانی، محمد بن علی بن محمد؛ فتح القدر، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
47. صدر، محمد باقر؛ دروس فی علوم القرآن، اسماعیلیان، قم، 1408ق.
48. صفایی حایری، علی؛ روش برداشت از قرآن، انتشارات هجرت، قم، بی تا.
49. طائی، کمال الدین؛ موجز البیان، مطبعة سلمان الاعطی، بغداد، 1391ق.
50. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1393ق.
51. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1415ق.
52. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان، طبع بولاق، بی جا، بی تا.
53. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.



54. عبدالعال، احمد عبدالعال؛ ایضاحات و معانی علی تفسیر النسفی، المكتبة الازهریه للتراث، بی جا، 1415ق.
55. عزالدین، عبدالسلام؛ الاشارة والایجاز فی بعض انواع المجاز، دار الكتب العلمیه، بیروت، 1416ق.
56. غزالی، محمد؛ نحو تفسیر موضوعی سور القرآن الکریم، چاپ دوم، دار الشروق، قاهره، 1413ق.
57.؛ نحو تفسیر موضوعی سور القرآن کریم، ترجمه علی اصغر محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1377ش.
58. فخر رازی؛ مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، بی نا، قم، بی تا.
59.؛ مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
60. فضل الله، سید محمد حسین؛ من وحی القرآن، چاپ سوم، دارالزهراء، بیروت، بی تا.
61. فقهی زاده، عبدالهادی؛ پژوهشی در نظم قرآن، جهاد دانشگاهی، تهران، 1374ش.
62. فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن کریم.
63. قرشی، سید علی اکبر؛ احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، بی تا.
64. قطان، مناع؛ مباحث فی علوم القرآن، چاپ دوازدهم، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403ق.
65. کحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
66. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، دار الكتب الاسلامیه، بی جا، بی تا.

67. لجنة من العلماء؛ التفسير الوسيط للقرآن كريم، چاپ سوم، مطبعة المصحف الشريف، بی‌جا، 1413 ق.
68. مدرسی، سید محمد تقی؛ من هدی القرآن، دار الهدی، بی‌جا، 1406 ق.
69. مدنی، محمد؛ المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
70. مصباح، محمد تقی؛ معارف قرآن، مؤسسه امام خمینی، قم، بی‌تا.
71. مصطفی، مسلم؛ مباحث فی التفسیر الموضوعی، دار القلم، بی‌جا، 1410 ق.
72. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر الکاشف، چاپ سوم، دارالعلم للملایین، بیروت، 1980 م.
73. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ دوازدهم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1373 ش.
74. ملا عبدالله؛ حاشیه، تعلیقه سید مصطفی حسینی دشتی، چاپ دوم، مکتبه المفید و الفیروز آبادی، بی‌جا، بی‌تا.
75. ملاحویش، عمر؛ تطور دارسات اعجاز القرآن، بی‌نا، بغداد، 1329 ق.
76. مودودی، ابوالاعلی؛ تفهیم القرآن، دار العروبه للدعوة الاسلامیه، لاهور، 1989 م.
77. نکونام، جعفر؛ پژوهش‌های علوم انسانی (زبان قرآن گفتاری یا نوشتاری)، فصلنامه دانشگاه قم، سال اول، بهار 79.
78.؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، نشر هستی نما، قم، 1380 ش.
79. همامی، عباس؛ چهره زیبای قرآن، انتشارات بصائر، اصفهان، 1375 ش.